

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:  
« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.

## نگاهی به تاریخچه معرفت

### درسنامه

#### تقسیمات تاریخ فلسفه

- ۱ دوره یونان باستان که شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو می شود؛
- ۲ فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا؛
- ۳ دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، با ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا؛
- ۴ دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد.

## الف) دوره یونان باستان

### آغاز اختلاف: حس یا عقل

**«مسئله شناخت»** و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. بیشتر این دانشمندان به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند. گرچه متفکری مانند هراکلیتوس، علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. اما متفکری به نام «پارمنیدس» معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد.

### بی اعتباری کل معرفت

سوفسطائیان به سبب همین اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

### «نظر پروتاگوراس را درباره حقیقت و شناخت»

حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهدخواه حواس ۱ فرد یکسان گزارش دهد یا متفاوت

بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد.

او اعتقاد داشت که اشیاء هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

### اعتبار حس و عقل

در میان مجادلات طرفداران عقل و حس و سوفیست هایی که اصل معرفت را منکر می شدند، حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو کوشش کردند راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه های گریز از خطا را هم توضیح دهند.

### نظر «ارسطو» و «افلاطون» درباره اعتبار حس و عقل

ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، رزش برتری دارد. او باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید.

## ➤ (ب) دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران

در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود و حیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

### تداوم اعتبار حس و عقل

حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا، که از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان به شمار می آیند، مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند.

همچنین این دو فیلسوف برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خودوارد نمی کردند.

### توجه به شهود در فلسفه

شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق، علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند.

### بهره مندی از همه ابزارهای معرفت

چندی بعد ملاصدرای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد و اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

### نظر عموم فیلسوفان جهان اسلام، در باب ابزار های شناخت

بنابراین می توان گفت عموم فیلسوفان جهان اسلام :

هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. علاوه بر این، فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و و حیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند

در دوره معاصر، فیلسوفان مسلمان معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند بزاری برای کسب معرفت باشند.

## ج) دوره جدید اروپا

مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد.

## دوجریان فکری در دوره ی جدید اروپا

توجه به تجربه      توجه به عقل

### توجه به تجربه

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند به تجربه گرایان مشهور شدند. بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. پس از وی فیلسوفان دیگری مانند جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، نیز روش او را دنبال کردند و بر تجربه گرایی تأکید ورزیدند.

### توجه به عقل

دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند؛ مانند معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

پس از دکارت، فیلسوفان دیگری پیدا شدند که نظرا و را تأیید کردند. این گروه از فیلسوفان به عقل گرایان مشهور شدند.

بحث و گفت و گو میان این دو جریان ادامه داشت تا نوبت به کانت در قرن هجدهم میلادی رسید. وی با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

## حرکت به سوی تجربه گرایی مطلق

تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد. از این به بعد در میان تجربه گرایان دیدگاه های جدیدی بروز کرد که یکی از مهم ترین آنها اثبات گرایی یا پوزیتیویسم بود.

**پوزیتیویست ها** علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است.

## رشد اندیشه نسبی گرایی

در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

**نسبی گرایان** بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود، درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج در حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین، خود را بیشتر نشان داد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

## ظهور پراگماتیسم

جریان دیگر، پراگماتیسم یا صالت عمل (مصلحت عملی) است. پراگماتیست ها معتقدند:

که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت، بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.

## کامل کردنی (نقطه چین ها):

۱- بیشتر دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، به شناخت **حسی** اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت **عقلی** داشتند.

۲- **هراکلیتوس**، علاوه بر **حس** به **عقل** هم اهمیت می داد.

۳- **سوفسطائیان** اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدّعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.

۴- **پروتاگوراس** که از سوفسطائیان بود، می گفت **حقیقت** همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت.

۵- **پروتاگوراس** اعتقاد داشت که اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند.

۶- **ارسطو** با تدوین **منطق** گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.

۷- **افلاطون** که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت **عقلی** بسیار مطمئن تر از شناخت **حسی** است.

۸- **افلاطون** باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم **مُثل** نامید.

۹- شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به **شیخ اشراق**، علاوه بر فلسفه، در **عرفان** نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. سهروردی بر **معرفت شهودی** تأکید بسیاری کرد.

۱۰- **ملاصدرای شیرازی**، **بهره مندی** از **همه ابزارهای معرفت** را سر لوحه کار خود کرد.

- ۱۱- مولف کتاب **مبدأ و معاد ملاصدرای** شیرازی است.
- ۱۲- معرفت **فلسفی** متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت **فلسفی** رسید.
- ۱۳- **بیکن** از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به **اصالت تجربه** معتقد بود.
- ۱۴- **دکارت** فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر **عقلی** اهمیت بسیار می داد.
- ۱۵- **کانت** با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که **معرفت**، حاصل **همکاری** عقل و حس است.
- ۱۶- تلاش های **عقل گرایان** در برابر **تجربه گرایان** تلاش موفقی نبود و **تجربه گرایی** به صورت یک دیدگاه **غالب** فلسفی در اروپا درآمد.
- ۱۷- **پوزیتیویست ها** تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را **تجربه** می دانستند.
- ۱۸- یکی از **مؤسسان پوزیتیویسم** که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، **اوگوست کنت**، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است.
- ۱۹- **پراگماتیسم** یا **صالت عمل** (مصلحت عملی) معتقدند که از طریق **تجربه** نمی توان واقعیت اشیا را شناخت.
- ۲۰- **ویلیام جیمز** و **هانری برگسون** از فیلسوفان **تجربه گرایی** هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی نیز معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

## صحیح و غلط:

- ۱- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد=**صحیح**
- ۲- پوزیتیویست ها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را عقل می دانستند.= **غلط**
- ۳- علامه طباطبایی بهره مندی از همه ابزارهای معرفت را سر لوحه کار خود کرد.= **غلط**
- ۴- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد.= **صحیح**
- ۵- افلاطون که به حس اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت حسی بسیار مطمئن تر از شناخت عقلی است.= **غلط**
- ۶- پراگماتیسم یا صالت عمل (مصلحت عملی) معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت.= **صحیح**
- ۷- افلاطون با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.= **غلط**
- ۸- سوفسطائیان اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.= **صحیح**

۹- بیشتر دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، به شناخت عقلی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت حسی داشتند. = **غلط**

۱۰- معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد. = **صحیح**

### کشف ارتباط:

کدامیک از گزینه‌های ستون «ب» به گزینه‌های ستون «الف» مربوط است؟

«الف» {سوالات}	«ب» {پاسخ‌ها}
۱- معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت.	دکارت = ۶
۲- به اصالت تجربه معتقد بود.	استدلال عقلی = ۷
۳- مولف کتاب مبدأ و معاد	بیکن = ۲
۴- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم	افلاطون = ۵
۵- عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است.	اوگوست کنت = ۴
۶- به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد.	ملاصدرای شیرازی = ۳
۷- بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد	پراگماتیسم = ۱

### سوالات تشریحی:

۱- تاریخ فلسفه را به چه دوره های می توان تقسیم کرد ؟ آن را بنویسید.

۱- دوره یونان باستان که شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو می شود.

۲- فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا

۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، با ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا

۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسویس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تا کنون ادامه دارد.

۲- چه مسائلی بیشتر مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود؟ و بیشتر به چه شناختی اهمیت می دادند؟

«مسئله شناخت» و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. بیشتر این دانشمندان به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند. گرچه متفکری مانند هراکلیتوس، علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد.

۳- چه گروهی به بی اعتباری کل معرفت اعتقاد داشتند ؟ خلاصه ایی از نظرات آنها را بنویسید.



سوفسطائیان - سوفسطائیان به سبب همین اختلاف نظر ها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

۴- نظر پروتاگوراس را درباره حقیقت و شناخت اشیاء بنویسید.

حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهدخواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. او اعتقاد داشت که اشیاء، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

۵- افلاطون به کدام ابزار شناخت اهمیت می داد ؟ خلاصه ایی از نظرات او را بنویسید.

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. او باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید.

۶- آیا افلاطون شهود قلبی را باور داشت چرا؟

افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.

۷- ارسطو به کدام ابزار شناخت اهمیت می داد ؟ خلاصه ایی از نظرات او را بنویسید.

ارسطو نیز گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

۸- حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا، کدام ابزار شناخت را معتبر می دانستند خلاصه ایی از نظرات آنان را در باب ابزار شناخت بنویسید.

حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا، که از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان به شمار می آیند، مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. همچنین این دو فیلسوف برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

۹- چه کسی به به شهود در فلسفه اهمیت زیادی داد ؟ تلاش های او در این زمینه را بنویسید.

شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق، علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۱۰- چه کسی به بهره مندی از همه ابزارهای معرفت اعتقاد داشت خلاصه ایی از اقدامات او در این زمینه را بنویسید.

ملاصدرای شیرازی،- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند



مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار کرد و اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۱۱- نظر عموم فیلسوفان جهان اسلام، را در باب ابزار های شناخت بنویسید.

بنابر این می توان گفت عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. علاوه بر این، فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.

۱۲- نظر علامه سید محمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر را درباره روش فلسفی و شیوه های شناخت ملا صدرای شیرازی را بنویسید.

صدر المتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، «ولی این صدر المتألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد.

۱۳- نظر فیلسوفان مسلمان در دوره معاصر، را درباره شیوه ها و ابزار های شناخت را بیان کنید.

در دوره معاصر، فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند بزاری برای کسب معرفت باشند.

۱۴- تجربه گرایان چه کسانی بودند؟

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند.

۱۵- بیکن معتقد به کدام ابزار شناخت بود نظر ایشان را در این رابطه بنویسید.

بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

۱۶- تأکید بر تجربه گرایی جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، چه اهمیتی داشت؟

این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد. همین تأکید، یکی از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفت های علمی گردید.

۱۷- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، معتقد به کدام ابزار شناخت بود نظر ایشان را در این رابطه بنویسید.

دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند؛ مانند معرفت به

وجود نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد. البته دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت.

#### ۱۸- عقل گرایان چه کسانی بودند؟

دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند؛ مانند معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد. پس از دکارت، فیلسوفان دیگری پیدا شدند که نظرا و را تأیید کردند. این گروه از فیلسوفان به **عقل گرایان** مشهور شدند.

#### ۱۹- کانت معتقد به کدام ابزار شناخت بود نظر ایشان را در این رابطه بنویسید.

وی با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصویری مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند. به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد؛ اما وقتی می تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده، میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن رابطه برقرار کند.

#### ۲۰- پوزیتیویسم یا اثبات گرایی را تعریف کنید. و چه کسی برای اولین بار از این اصطلاح استفاده کرد؟

پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، **اوگوست کنت**، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است.

#### ۲۱- توجه خاص به تجربه، در اروپا سبب چه چیزی شد؟

گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد، اما بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد.

#### ۲۲- بی مهری به تفکر عقلی در اروپا، چه اشکالات نظری متعددی را پدید آورد؟

بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد. یکی از این اشکالات، محدودیت های روش تجربی بود که نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بدهای اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. همچنین ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست

قطعیّت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

۲۳- باور ها و نظریات نسبی گرایان درباره شناخت را بنویسید.

نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود، درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج در حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین، خود را بیشتر نشان داد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۲۴- نظریات پراگماتیسم ها را درباره شناخت بنویسید.

جریان دیگر، پراگماتیسم یا صالت عمل (مصلحت عملی) است. پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت، بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.

۲۵- نظرات ویلیام جیمز و هانری برگسون از فیلسوفان معاصر در پیرامون شناخت را بنویسید.

هنوز هم راه های دیگر معرفت، یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارند. برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند. ویلیام جیمز و هانری برگسون از فیلسوفان تجربه گرایی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی نیز معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

## مقایسه

سیر اندیشه از پارمنیدس تا ارسطو را مطالعه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- آیا تفاوتی میان نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی وجود دارد؟

پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند. پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.

۲- آیا افلاطون و ارسطو اختلاف نظری در معرفت شناسی دارند؟

افلاطون و ارسطو، هر دو، معرفت انسان را دارای ارزش واقع نمایی می دانند و با سوفسطائیان مخالف بودند. هر دو، هم برای ادراک حسی و هم عقلی اعتبار قائل بودند. البته افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست و مردم را تشویق به ادراک عقلی می کرد. علاوه بر این، افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

۳- آیا می توان میان دیدگاه پارمنیدس و افلاطون وجه تشابهی پیدا کرد؟

این دو فیلسوف، هر دو، به عالم معقول که عالم ثابتات است، اهمیت می دادند و آن را جهان حقیقی تلقی می کردند.

شیخ اشراق بر این عقیده است که فیلسوف، بدون معرفت شهودی، به جایی نمی‌رسد و اگر کسی تصور کند که تنها به وسیله مطالعه کتب و بدون سیر و سلوک عرفانی می‌تواند، فیلسوف شود، اشتباه بزرگی کرده است. همان‌گونه که عارفی که فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است، یک عارف ناقص است، فیلسوف و جست و جوگر حقیقت، اگر اسرار الهی را به صورت مستقیم و بی واسطه تجربه نکند، فیلسوفی ناقص و کم‌قدر خواهد بود.

در این متن تأمل کنید و بگویید حاوی چه پیامی در حوزه معرفت‌شناسی است؟

۱- از نظر شیخ اشراق، طی مدارج عالی در فلسفه با طی مدارج در عرفان ارتباط دارد.

۲- او معتقد است که بدون استدلال و بدون نیروی تفکر و تحلیل عقلی، عرفان هم ناقص است و عارفی که فاقد قدرت تحلیل است، یک عارف ناقص است.

گزاره‌های زیر را بخوانید و ابتدا مشخص کنید کدام گزاره‌ها معنای مشترک دارند. سپس تعیین کنید کدام گزاره دیدگاه نسبی‌گرایی در معرفت را بیان می‌کند.

۱- به طور کلی شناخت هرکس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.

در این گزاره قید «به طور کلی» و «نسبت به خودش» حکایتگر دیدگاه کلی نسبی‌گرایی است.

۲- در برخی موارد شناخت انسان‌ها نسبی است و شناخت هر کس برای خودش معتبر است، اما در برخی موارد، انسان‌ها می‌توانند به شناخت یکسان دست پیدا کنند.

این گزاره با واقع‌گرایی تضاد ندارد اما با نسبی‌گرایی ناسازگار است، زیرا اگر نسبی‌گرا بپذیرد که انسان‌ها در برخی موارد می‌توانند نظر یکسان داشته باشند، دیگر اختلافی با واقع‌گرا نخواهد داشت. آنچه نسبی‌گرا را از واقع‌گرا جدا می‌کند، بیان مطلق او درباره نسبی‌گرایی است.

۳- به طور کلی این امکان برای انسان‌ها وجود دارد که به شناخت‌های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناخت یکسانی نداشته باشند.

با گزاره دوم یکسان است، گرچه در بیان متفاوت است.

۴- شناخت انسان‌ها در بسیاری از موارد نسبی است، اما این سخن به معنای نسبی بودن همه معرفت‌ها نیست.

با گزاره سوم و دوم سازگاری دارد.

۵- انسان ها امکان این را ندارند که بتوانند درباره یک چیز به معرفتی یکسان دست پیدا کنند؛ دیدگاه انسان ها درباره پدیده ها، حتما متفاوت است.

با گزاره اول کاملاً سازگار است و لذا با گزاره دوم و سوم و چهارم اختلاف دارد. این گزاره هم بیان دیگری از نسبی گرایی است.

## به کار ببندیم

۱- ویژگی بارز اندیشه هر یک از دانشمندان زیر را درباره معرفت بنویسید و سپس آن را بررسی کنید.

فیلسوف	دیدگاه	نقد و بررسی
پارمنیدس	معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.	
سوفسطائیان	سوفسطائیان اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سوال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، نمی توان به حقیقت رسید.	
افلاطون	به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است.	
شیخ اشراق	علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد.	
ملاصدرا	ملاصدراى شیرازى، بهره مندى از همه ابزارهاى معرفت را سر لوحه کار خود کرد.	
علامه طباطبایی	ایشان هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. علاوه بر این، معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.	
بیکن	بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.	
دکارت	دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند.	
اوگوست کنت	پوزیتیویست ها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند.	

۲- به نظر شما چه عواملی باعث شده است واقع نمایی دانش تجربی با اشکال مواجه شود. به طور گروهی با دوستان خود بحث و نتیجه را در کلاس ارائه کنید.

یکی از مهم ترین عوامل، تغییرات و تحولاتی بود که در علوم تجربی رخ داد و در برخی موارد نظریات گذشتگان به کلی باطل شد؛ مثلاً درباره نظام کیهانی، گذشتگان زمین را مرکز عالم می دانستند و معتقد بودند که خورشید به گرد زمین می چرخد، اما این نظر به کلی غلط از آب درآمد..

۳- هر کدام از دیدگاه های زیر به کدام فیلسوف مربوط است؟

امری که قابل بررسی تجربی نباشد بی معناست. = پوزیتیویست ها

معرفت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است. = دیدگاه فلاسفه اسلامی مانند ابن سینا و فارابی است .  
البته دیدگاه فیلسوفانی مانند ارسطو نیز همین است.

درک حقیقت از راه عقل و شهود معنوی، هر دو، امکان پذیر است. = شیخ شهاب الدین سهروردی

میان داده های استدلالی و قطعی عقلی با معارف و حیانی تضادی نیست و هر دو مؤید یکدیگرند. = بیان دیدگاه بیشتر فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده اند.

معرفت حسی، عقلی، شهودی و و حیانی، هر کدام در جای خود مفید است. = ملاصدرای شیرازی و عموم فیلسوفان جهان اسلام